

فرزانه سعادت‌فر<sup>۱</sup>

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

## ارزیابی شخصیت علمی- تاریخی ابن وحشیه<sup>۲</sup> بر مبنای بررسی الفلاحة النبطية

### چکیده

الفلاحة النبطية به عنوان يك اثر مهم در زمينه‌ی کشاورزی در تمدن اسلامی و مهم‌ترین کتاب ابن وحشیه کلدانی (حدود ۲۴۶ ه ق / ۸۶۵ م) بوده است. ابن وحشیه مدعی است که این اثر، ترجمه‌ای از نوشته‌های کهن بابلی است اما این امر، مورد اختلاف بسیاری از خاورشناسان و پژوهش‌گران بوده تا جایی که محققان تنها صحت این انتساب بلکه سایر آثار ابن وحشیه را نیز زیر سؤال برده‌اند و برخی حتی خود وی را نیز شخصیت جعلی و موهوم، ساخته‌ی ابن‌زیات که ادعای شاگردی‌اش را داشته و روایت‌کننده‌ی الفلاحة النبطية است، دانسته‌اند. برخی از این گروه، اشاره‌های ابن وحشیه را به اقوام و اشخاص و ادیان در الفلاحة، اشاره به وضع زمان زندگی وی و انتقادش از آنها را، انتقاد از دین و حکومت آن زمان دانسته‌اند با وجود این، عده‌ی زیادی در دوره‌ی معاصر این نظر را رد کرده‌اند. نکته‌ی مهم این است که در الفلاحة، علاوه بر موارد خرافی و افسانه‌ای، نکته‌های علمی مهم و کاربردی در گیاه‌شناسی و کشاورزی وجود دارد. البته بیشتر نظرهایی که در رد ادعاهای ابن وحشیه مبنی بر انتساب الفلاحة به کلدانیان و جعلی دانستن مطالب آن آمده، توسط برخی خاورشناسان قرن ۱۹ م، ابراز شده است.

<sup>۱</sup> Funfar ۱۹۸۰@gmail.com

<sup>۲</sup> Ibn- Wahshiyya

## کلید واژه:

ابن وحشیه، الفلاحة النبطیة، نبطی، ابن زبّات

### مقدمه

ابوبکر احمد یا محمد (د. اسلامیة، ذیل ابن وحشیه) بن علی بن مختار بن عبدالکریم بن قیس کسدانی از مردم قُ سَین<sup>۱</sup> و جنبله<sup>۲</sup>، معروف به ابن وحشیه در قرن سوم و چهارم قمری/ نهم و دهم میلادی (حدود ۲۴۶ ق/ ۸۶۵ م) بوده<sup>۳</sup> که ترجمه‌ی آثاری در کشاورزی، گیاه‌شناسی، نجوم، کیمیاگری، جادوگری، زهرشناسی و پزشکی و نیز اثری درباره‌ی خط‌های دوران باستان به وی نسبت داده شده است. (رک، کحاله ۲/۲۳)

مهم‌ترین کتابی که به ابن‌وحشیه منسوب است، «الفلاحة النبطیة» است. این کتاب، هم چنان که از نامش برمی‌آید، منسوب به نبطی‌ها یا مردمان غیر عرب ساکن عراق است که البته در انتساب این اثر به منابع بابلی و کلدانی، تردیدهایی وجود دارد. (زرین کوب ۶۳؛ محرری ۷۳)

تا قبل از الفلاحة النبطیة، مهم‌ترین ترجمه از آثار یونانی در زمینه‌ی کشاورزی، کتاب الفلاحة الرومیة، اثر قسطوس بیزانسی (کاسیانوس باسوس اسکولاستیکوس<sup>۴</sup>)، دانشمند قرن ۶ م است اما این کتاب مورد استفاده‌ی ابن وحشیه قرار نگرفته است.

### زندگی‌نامه ابن وحشیه

ابوبکر، ملقب به ابن‌وحشیه که در واقع لفظ وحشیه نام مادرش یا لقب جد یا جده‌اش بوده است. (مدرس تبریزی ۸/۲۶۰؛ فؤاد صالح السید، ذیل واژه‌ی ابن وحشیه/ ۳۳۹) سال وفات وی دقیقاً معلوم نیست. به احتمال زیاد در اوایل قرن چهارم هجری قمری (۳۲۴ ق/

۱. روستایی در اطراف کوفه، حموی: معجم البلدان، ذیل قسین.

۲. دهکده و منزلی میان واسط و کوفه، همان، ذیل جنبله

۳. البته در جایی دیگر، دوره‌ی زندگی او را نیمه‌ی قرن دوم هجری می‌دانند! (رک، دایرة المعارف الاسلامیة،

ذیل ابن وحشیه)

<sup>۴</sup> Cassianus Bassus Scholasticus

(۹۳۵ م) نیز زنده بوده چرا که به هر حال تا پیش از زمان ابن ندیم (د. ۳۸۰ یا ۳۸۵ ه.ق) در قید حیات بوده است. (رک، مدرس تبریزی، ۸/۲۶۰؛ زندگی‌نامه، ذیل واژه‌ی ابن وحشیه، ۱/۱۲۸)

ابن وحشیه در بغداد که در آن عصر هم مرکز علم و هنر و هم مرکز فعالیت‌های اقتصادی و تجاری با شهرتی جهانی بود، به احکام نجوم اشتغال داشت. وی با اختربینی و فال‌بینی و با طلسم و جادو به درمان بیماران می‌پرداخت و در این زمینه مشهور بود. هم چنین چندین کتاب در این باره نوشته است. (رک، زندگی‌نامه، ذیل واژه‌ی ابن وحشیه ۱/۱۲۸؛ خلاصه زندگی‌نامه، ذیل همان واژه)

در سرگذشت وی، موارد ابهام برانگیزی وجود دارد تا جایی که برخی در وجود خود او نیز ابراز تردید کرده‌اند. (EI<sup>۲</sup>, ۹۶۳) ابن ندیم که معاصر وی بوده در یک جا، وی را احمد بن علی بن مختار بن عبدالکریم بن حرثیا بن دنیا برطانیا بن غالطیا خوانده (الفهرست ۵۵۲) و در جای دیگر با عنوان احمد بن علی بن قیس بن مختار بن عبدالکریم بن حرثیا بن دنیا بن بوراطیا از وی یاد می‌کند. (همان ۶۴۱)

هیچ کدام از این نام‌ها شناخته نشده‌اند، این‌ها غیرعربی که قاعدهٔ اُ باید نبطی یا آرامی باشند در هیچ یک از زبان‌های آرامی به کار نرفته و علاوه بر آن برطانیا و غالطیا- چنان که در آثار بطلمیوس نیز آمده است- نام‌های دو ایالت معروف تابع روم قدیم بوده‌اند. (رک، نالینو ۹-۲۰۸)

ابن وحشیه خود را از نبطیان (کسدانیان یا کلدانیان)، ساکنان قدیم عراق که به زبان آرامی تکلم می‌کردند، می‌دانست و با زبان نبطی به خوبی آشنایی داشت. (رک، نجم‌آبادی، تاریخ طب در ایران...، ۲۹۴)

قوم نبطی (کلدانی‌ها یا کسدانیان) از نژاد سامی بودند که در حدود جنوب و مشرق سوریه تشکیل حکومتی دادند. این قوم بیشتر به امور تجارت اشتغال داشتند و در نتیجه ثروت بسیار، احياناً به مسایل علمی و ادبی نیز توجه می‌کرده‌اند. در دوره‌ی اسلامی، نبطی به دسته‌یی از مردمان بومی اطلاق می‌شد که نه در شمار بدویان بودند و نه در زمره‌ی سپاهیان و گاه نیز به روستاییانی که به زبان آرامی تکلم می‌کردند، این نام داده می‌شد. در قرون اولی هجرت، زبان و کتاب‌های نبطی، مورد توجه برخی از علما

بوده و در این ایام، اسم مذکور، یعنی نبطی بیشتر بر ساکنان بطایح<sup>۱</sup> اطلاق می‌شده است. (صفا، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ۱/۸۷)

ابن وحشیه مدعی است که ترجمه‌هایش را از زبان کسدانی به عربی بن ابن زیتات املا کرده است. (نالیو ۲۰۶) اما از زمان نولدکه<sup>۲</sup>، این فرض مطرح شده که نویسنده یا گردآورنده‌ی واقعی آثار منسوب به ابن وحشیه، ابوطالب احمد بن حسین بن علی بن احمد بن محمد بن عبدالملک زیتات است. (EI, ۹۶۳)

ابن زیتات در پایان مجلد پنجم الفلاحة یادآور می‌شود که ابن وحشیه تنها ۸۰ برگ از این کتاب را بر وی املا کرده و بقیه‌ی صفحه‌های این کتاب و کتاب‌های دیگری که از ابن وحشیه به جا مانده بوده، مطابق وصیتش و توسط همسر وی در اختیارش قرار گرفته است. (رک، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه‌ی ابن وحشیه، دانشنامه‌ی ایران و اسلام، ذیل همان واژه)

از ابن زیتات هم آگاهی چندانی در دست نیست. ابن ندیم از وی به عنوان تنها راوی آثار ابن وحشیه نام می‌برد. (الفهرست، ۱۹۹۶ م/ ۴۸۶) ممکن است لقب وی (ابن زیتات) به خاطر انتسابش به ابوجعفر محمد بن عبدالملک زیتات وزیر معتصم (د. ۲۲۷ ه.ق) و واثق (د. ۲۳۲ ه.ق) باشد که برای مدتی وزیر متوکل (۲۴۷ ه.ق) بود و به دستور وی کشته شد. هرآ این خاندان، پیش از اسلام آوردن مسیحی بوده و از ناحیه کرخ برخاسته‌اند. (See. EI, ۹۶۳)

از معاصران ابن وحشیه، تنها ابن ندیم از او یاد کرده و مدعی شده که برخی از کتاب‌هایش را به خط خودش، دیده است. (الفهرست ۶۴۱-۵۵۲) ابن وحشیه، معاصر رازی (د. ۳۱۳ ه.ق) نیز بود و مانند او فن کیمیاگری در پیش گرفته بود که البته این دو در آثار خود، هیچ یادی از یکدیگر نکرده‌اند و این شاید ناشی از آن است که رازی از رده‌ی دیگری بود و پزشک و کیمیادان و فیلسوف مبرزی بوده و نوشته‌های ابن وحشیه در کیمیا، سرشار از سحر و جادو و کنایه‌ها و اشاره‌های مرموز و طلسم است، حال آن که کتاب‌های رازی مانند سرالاسرار و الاسرار عینی و تهی از سحر و جادو است. (رک، زندگی‌نامه، ذیل واژه‌ی ابن وحشیه، ۱/۱۲۸)

۱. ناحیه‌ی میان واسط و بصره

<sup>۲</sup> Noldeke

### نقل قول دانشمندان مسلمان از ابن وحشیه

ابن بیطار مالقی (د. ۶۴۶ ه.ق) در بخش گیاهان کتابش، نقل قول‌های بسیاری از ابن وحشیه دارد. (رک، الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه، ۲-۴/۲۷۱؛ ۲/۳۲۴؛ ۲۰۶ و ۱/۲۴۵ و...) ابن ابی‌اصیبعه (د. ۶۶۸ ه.ق) نیز به کتاب‌های بسیار ابن وحشیه در زمینه‌ی کیمیا و طلسمات اشاره می‌کند. (عیون الانباء ۶۸۵)

انصاری دمشقی (د. ۷۲۷ ه.ق) نیز در فصل دوم نخبه الدهر فی عجایب البر و البحر درباره‌ی پیدایش کان‌ها از جیوه و تولید گوگرد از آب و... نقل قول‌هایی از کتاب اسرارالشمس و القمر ابن وحشیه آورده است. (۷۵-۷۶)

شهاب‌الدین نویری (د. ۷۳۲ ه.ق) در ابتدای کتابش در فهرست منابع و مأخذ، از کتاب الفلاحة النبطية ابن وحشیه نام برده است و هم چنین در فصل‌های مختلف کتاب از جمله درختان و گیاهان و... از وی نقل قول کرده به طوری که در بیشتر قسمت‌ها در شرح گیاهی، ابتدا از قول ابن وحشیه آورده و سپس قول ابن سینا را مطرح کرده است. (رک، نهایة الارب... ج ۱۱ ص ۴۳ به بعد، قسم اول از فن چهارم)

هم چنین ابن خلدون (د. ۸۰۸ ه.ق) در مقدمه‌اش در توضیح علوم ساحری کلدانیان از نوشته‌های ابن وحشیه در این زمینه یاد می‌کند. (۲/۱۰۴۱)

هم چنین قلقشندی (د. ۸۲۱ ه.ق) در صبح الاعشی در جلد اول و دوم در بخش گیاهان و طلسمات و علوم ده‌گانه نام ابن وحشیه و تألیفاتش را ذکر کرده است. (رک، ۸۵ و ۲/۱۸۹؛ ۳۷۰ و ۴۷۵ و ۱/۴۷۷)

حاجی خلیفه (د. ۱۰۶۷ ه.ق) نیز در کشف الظنون، بسیار گسترده به آثار وی در ریاضیات، کیمیا و کشاورزی می‌پردازد. (رک، ۱۱۹۰-۱۲۸۹-۱۴۳۹-۲/۱۴۴۸) و بسیاری از دیگر نویسندگان که نقل قول‌هایی از ابن وحشیه در آثار خود آورده‌اند.

### نظر پژوهش‌گران درباره‌ی ابن وحشیه

به طور کلی از سوی محققان، چهار نظر درباره‌ی این شخصیت و تألیفات و ترجمه‌هایش ابراز گشته که در زیر به آن اشاره شده است:

۱- آثاری که به زبان نبطی وجود داشته و ابن وحشیه مترجم آن‌هاست. خولسون<sup>۱</sup> (قرن نوزدهم میلادی)، مهم‌ترین فردی است که این نظریه را در کتاب خود، تحت عنوان «درباره‌ی قطعات باقی مانده از نوشته‌های بابل که در ترجمه‌های عربی» تأیید می‌کند. او سعی کرده، زمان سلسله‌های حکومتی هر کدام از نویسندگان که این اثر به ایشان نسبت داده شده است، مشخص کند. هم چنین خولسون، ناهماهنگی‌های موجود در اثر را دستکاری‌ها و حاشیه نویسی‌های نسخه‌نویسان بعدی یا ابن وحشیه دانسته است. (رک، سزگین ۱-۴/۳۹۰)

۲- هیچ یک از این آثار، اصالت ندارند و ابن وحشیه آن‌ها را جعل کرده و به نیاکان نبطی خود نسبت داده است. مایر<sup>۲</sup>، تاریخ پژوه علم گیاه شناسی در کتاب خود با عنوان تاریخ گیاه‌شناسی در سال ۱۸۵۶م، این نظریه را مطرح کرده است. او مطالب کتاب را با نوشته‌های یونانی و رومی تطبیق داده و چنین نتیجه گرفته که بسیاری از آزمایش‌ها و روش‌هایی که در کتاب ذکر شده، برابر با دانش یونانیان و رومیان بوده است بنابراین احتمال می‌رود، اصل کتاب در بین‌النهرین در قرن دوم یا سوم میلادی به نگارش درآمده باشد. در سال ۱۸۶۰ م نیز دو دانشمند به‌های ارنست رنار<sup>۳</sup> آلفرد فن گوتشمید<sup>۴</sup> «کتاب خرده نوشته‌ها» این نظر، صحه گذاشتند. گوتشمید، به نقد نظریه‌های خولسون درباره‌ی این اثر پرداخته و برای رد زمان نگارش کتاب براساس عقیده‌ی خولسون، دلایل بسیاری ذکر کرده است. (رک، همو ۳-۴/۳۹۱؛ ۴/۹۶۴، EI<sup>۲</sup>)

۳- جاعل این نوشته ابن زینات است که وی آن‌ها را به ابن وحشیه نسبت داده است. تئودور نولد که در مقاله‌ای به نام مطالبی درباره‌ی کشاورزی نبطی در سال ۱۸۷۶ م، با این نظریه موافق است و بروکلمان<sup>۵</sup> در تاریخ ادبیات عرب و نالینو<sup>۶</sup> در علم الفلك (۱۹۱۱ م) (ص ۲۰۸) نیز همین اعتقاد را تأیید کرده‌اند. (سزگین ۶-۴/۳۹۵) این در حالی است که نولدکه، دلایل عینی برای این ادعای خود که ابن زیات، نویسنده‌ی حقیقی آثار

<sup>۱</sup> Chwolson

<sup>۲</sup> Meyer

<sup>۳</sup> E. Renan

<sup>۴</sup> Alfred Von Gutschmid

<sup>۵</sup> Brockelman

<sup>۶</sup> Nallino

ابن وحشیه است، نیاورده و نالینو نیز بدون ارایه‌ی قراین و شواهد، نظر او را تأیید کرده است. (رک، همو ۴/۲۳۸)

ابن زیتات نه تنها جاعل این آثار بلکه جاعل شخصیت ابن وحشیه نیز بوده و اصولاً شخصی به نام ابن وحشیه وجود نداشته است. پاول کراوس<sup>۱</sup> از جمله افرادی به شمار می‌رود که به این نظریه معتقد است. (رک، سزگین ۴/۳۹۶) او نیز نظر نولدکه را بدون دلیل پذیرفته و در زمینه‌ی ادعای خود هم دلیلی نیاورده و نتیجه‌گیری‌های اشتباهی نیز ارایه کرده است. (رک، همو ۲۳۷-۴/۲۳۸)

در سال‌های نیمه‌ی دوم قرن ۲۰ م، دانشمندانی چون ویدمان<sup>۲</sup> و برگدولت<sup>۳</sup> و پلسنر<sup>۴</sup>، نظریه‌هایی در مخالفت با عقیده‌ی نولدکه، مبنی بر بی‌ارزش بودن و جعلی بودن بودن الفلاحة النبطية ابراز داشتند، ویدمان آن را اثری با ارزش در تاریخ علم دانسته و برگدولت تأکید دارد که در نگارش آن از منابع کهن استفاده شده است. پلسنر در تلاش خود برای کسب اعتبار مجدد ابن وحشیه، اهمیت کتاب کشاورزی نبطی را در تاریخ علوم اسلامی خاطرنشان می‌سازد. محققانی چون سزگین و توفیق فهد که در زمینه‌ی آثار ابن وحشیه پژوهش کرده‌اند، معتقدند منبع اصلی مورد استفاده‌ی ابن وحشیه در نگارش الفلاحة متعلق به قرن ۵ یا ۶ م بوده است. (رک، سزگین ۴/۳۹۷)

### دیگر آثار منسوب به ابن وحشیه

با نگاهی به تألیفات و ترجمه‌های وی، می‌توان دریافت؛ ابن وحشیه علاوه بر کشاورزی و گیاه‌شناسی در زمینه‌ی علوم دیگر مانند کیمیا و جادوگری، احکام نجوم، عرفان، پزشکی، سموم و زهرشناسی نیز رساله‌هایی دارد.

البته ابن ندیم، علاوه بر آثار زیر از رساله‌ها و کتاب‌های دیگری منسوب به وی یاد می‌کند که در هیچ منبع دیگری تأیید نشده است. (رک، الفهرست ۵۵۲ و ۶۴۱)

کتاب الاصول الکبیر یا اصول الحکمه [ابن ندیم در ذیل بررسی کتاب‌های ابن وحشیه با موضوع سحر و کیمیا از کتاب الاصول الکبیر فی الصنعة یاد می‌کند که به احتمال قوی، نام دیگر همین کتاب است.

<sup>۱</sup> Paul Kraus

<sup>۲</sup> Wiedemann, E.

<sup>۳</sup> Bergdolt, E.

<sup>۴</sup> plessner

[۶۴۱] و کنزالحکمه<sup>۱</sup>، الادوار کبیر [ابن ندیم نام این کتاب را الادوار علی مذاهب النبط ذکر کرده و آن را شامل نه رساله خوانده است. (۵۵۲)]

کتاب التعافین (التعافین) یا کتاب اسرار الشمس و القمر<sup>۲</sup> از این اثر، منتخباتی در نهایتاً الارب نویری موجود است. (ج ۱/۱ ص ۴۳ به بعد، قسم اول از فن چهارم)، اسرار عطارد، اسرار الفلک [ابن ندیم از کتاب دیگری با عنوان اسرار الکواکب از ابن وحشیه یاد می‌کند (۵۵۲)؛ مدرس تبریزی، ۸/۲۶۰] که ممکن است همین کتاب باشد.، الریاسه فی علم الفراسه، رساله فی معرفه الحجر، سدره المنتهی، السموم و التریاقات (این کتاب، بعد از الفلاحه، مهم‌ترین اثر ابن وحشیه محسوب می‌گردد)، الشواهد فی الحجر الواحد، شوق المستهم فی معرفه رموز الاقلام، الطلسمات<sup>۳</sup>، کتاب بالینوس حکیم، کتاب تنکلوشا بابلی فی صور درج الفلک و ما تدل علیه احوال المولودین<sup>۴</sup>، کتاب طبقانا (در نجوم و سحر) که این وحشیه آن را از نبطی به عربی ترجمه کرده است. از توضیحات ابومسلمه مجریطی که در غایه الحکیم از این کتاب استفاده کرده، چنین به نظر می‌رسد که موضوع آن تأثیر صور نجومی بر رویدادهای زمینی است و این کتاب در موضوع علم طلسمات بوده است. (طاش کوپری زاده ۱/۲۸۶؛ قلقشندی ۱/۴۷۵)، کشف الرموز و اشارات الحکما الی الحجر الاعظم، کتاب الواضح فی ترتیب العمل الواضح، مطالع الانوار فی الحکمه (موضوع این کتاب، درباره‌ی کیمیا است که منسوب به ابن وحشیه است و اسماعیلیان از آن استفاده می‌کردند. (EI, ۹۶۵)، الهیاکل و التماثل و یک رساله‌ی بی‌عنوان با موضوع رنگ‌آمیزی<sup>۵</sup> و نیز کتاب اسرار الطبیعیات فی خواص النبات (صفا ۱/۳۶۱)

۱. نسخه‌ای از این دو کتاب در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی مشهد موجود است.
۲. شمس‌الدین ابی‌عبدالله انصاری دمشقی نیز در فصل دوم از کتاب نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر از قول ابن وحشیه در کتاب التعافین مطالبی را در رابطه‌ی با جیوه و چگونگی پیدایش آن آورده است. (۷۶)
۳. عمر کحاله از آن با عنوان السر و الطلسمات نام می‌برد. (۲/۲۳)
۴. نالینو به نسخه‌های خطی این کتاب در لیدن اشاره می‌کند. (۲۰۹) و تقی‌زاده، نسخه‌ی دیگر این کتاب را در یکی از کتابخانه‌های شخصی تهران به نام «الچو حکم علیها فیما تدل من طوالع المولودین لتنکلوشا البابلی القوقانی» به ترجمه‌ی ابن وحشیه دیده است. (۳۱۹)
۵. (رساله فی الصباغة الکیمیائیة) که یک نسخه از آن در قاهره موجود است. (سزگین، ۴/۳۳۹)



ابن ندیم از تألیفات ابن وحشیه دو کتاب فلاحه کبیر و صغیر را ذکر می کند. (الفهرست ۵۲ که به احتمال زیاد این دو کتاب، بعدها در یک مجلد، الفلاحة النبطية را تشکیل داده اند. کتاب، شهرت جهانی داشته و نسخه های پراکنده ای از آن در برلین و پاریس و در کتابخانه های ولی الدین و حمیدیه استانبول باقی مانده است. (صفا ۱/۳۶۰)

نسخه ی کتابخانه ی پاریس تنها شامل بخشی از کتاب است. این کتاب در سال ۱۹۸۴ م در دانشگاه فرانکفورت در هفت مجلد به چاپ رسیده است. (تاجبخش، تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، ۲/۲۰۲)

تلخیصی از این کتاب به نام مختصر کتاب الفلاحه ترتیب یافته که نسخه ی آن در کتاب خانه ی بانکپور موجود و شامل ۲۵۸ باب است. تلخیص کننده در آخر کتاب چنین آورده است: «فرغ من کتابته و اختصاره اضعف عبادالله و... و رحمته علی بن حسن به محمد الحسینی العراقی بالقاهره المحروسه فی عشر رجب الفرد سنه ثلاث و سبعین و ثمانمائه.» (صفا ۱/۳۶۰)

### بررسی کتاب الفلاحة النبطية

قبل از آن که به بررسی کتاب الفلاحة النبطية بپردازیم، اشاره ای داریم به کتاب هایی که پیش تر در این زمینه نوشته یا ترجمه شده است.

مهم ترین اثر ترجمه شده در زمینه ی کشاورزی تا قبل از الفلاحة النبطية، از کتاب قسطوس (قرن ۶ م) در سال ۲۱۲ ه.ق توسط سرجیس بن هلیا رومی است که از لاتین به عربی ترجمه شده و به نام الفلاحة الرومية معروف است اما اصل اثر به زبان لاتین یا ترجمه ی سریانی آن موجود نیست. هم چنین ترجمه ی دیگری از این کتاب از زبان پهلوی به عربی انجام گرفته که با عنوان ورزنامه در فارسی و الزرع در عربی معروف شده است. (سزگین ۴/۳۸۷)

از هر دو ترجمه ی موجود، دانشمندان مسلمان استفاده کرده اند. احتمال می رود، علی بن ربین طبری (کاتب مازیار بن قارن، پادشاه طبرستان / قرن ۳ ه.ق) و ابن قتیبه (د. ۲۷۶ یا ۲۶۷ ه.ق) از ترجمه ی یونانی آن استفاده کرده باشند. (همو، ۴/۳۸۸)

ابن وحشیه در هیچ کجا از ترجمه‌اش به استفاده از الفلاحة الرومیه حتی برای مقایسه اشاره‌ای نکرده است و هیچ کدام از محققانی که در زمینه‌ی آثار و زندگی وی به مطالعه پرداخته‌اند، حتی کسانی که مدعی جعلی بودن الفلاحة النبطیه شده‌اند نیز ارتباطی میان این دو اثر ذکر نکرده‌اند.

الفلاحة النبطیه برخلاف آن چه از نامش برمی‌آید، مطالبش تنها در زمینه‌ی کشاورزی نیست، بلکه در آن از خواص باطنی و نهفته‌ی اشیا سخن رفته است. ابن وحشیه کوشیده تا تعلیمات باطنی بابلیان قدیم را آشکار سازد؛ به احتمال زیاد، وی معتقداتی از زمان خود را که در بین‌النهرین رواج داشته و در آن‌ها نظریه‌ها و عقیده‌های نبطیان که از اخلاف کلدانیان بوده‌اند و به زبان آرامی سخن می‌گفته‌اند در کتاب خود تبلیغ می‌کرده است. به هر صورت، الفلاحة النبطیه به ضمیمه‌ی سایر کتاب‌های منسوب به ابن وحشیه از کتاب‌هایی بوده است که خواننده‌ی فراوان داشته و کسانی که به آن شاخه از تاریخ طبیعی و امور مربوط به خواص باطنی و اسرار اشیا علاقه‌مند بوده‌اند، به این کتاب‌ها رجوع می‌کرده‌اند. (رک، نصر، علم و تمدن در اسلام، ۱۰۱)

بنا به اعتقاد اولیری، این کتاب که در سال ۲۹۲ ق/ ۹۰۴ م پایان یافته، مجموعه‌ای از معتقدات عامه و خرافات دینی و افسانه‌ها بوده است و اطلاعات واقعی را در علم گیاه شناسی نداشته بلکه تنها هدف از نگارش آن، اثبات وجود تمدن بابلی، قرن‌ها پیش از ظهور جامعه‌ی عرب است. (انتقال علوم یونانی به عالم اسلام ۲۷۱)

خود ابن وحشیه درباره‌ی این کتاب چنین اظهار داشته که به وسیله‌ی سه تن از دانشمندان نبطی به نام‌های ضغریث، ینبوشاد و قوثامی (قثامی، قوتعامی) در علم کشاورزی تألیف شده و او آن را به عربی ترجمه کرده است. وی می‌نویسد که ضغریث، نخستین مؤلف از بین این سه نفر، اثری کامل و فصل بندی شده، نگاشته است و دو نفر بعدی در متن کتاب و ترتیب آن تغییری نداده‌اند اما به هر فصل، تجربیات و کشفیات خود را افزوده‌اند. (رک، سرگین ۹۰-۴/۳۸۹)

ابن وحشیه، مؤلفان کتاب را چنین معرفی کرده است:

ضعریث<sup>۱</sup>، بزرگ‌ترین دانشمند گیاه شناس در زمان خود بوده و کشتزارها و باغ‌های بسیار نیز داشته است. او از قول قوئامی نقل می‌کند که همه‌ی سخنان ضعریث در کشاورزی و پزشکی و خواص زمان‌ها قصایدی با دو قافیه در آغاز و پایان ادبیات بوده است. (رک، همان جا؛ د. بزرگ، ذیل واژه‌ی ابن وحشیه)

ینبوشاد موحد بوده اما تقیه می‌کرده و از ترس مردمان جاهل اعتقاد خود را آشکار نمی‌کرده است. در مواردی ادعا شده ینبوشاد، پیش از حضرت ابراهیم(ع) و حتی حضرت نوح(ع) می‌زیسته اما در جای دیگر از الفلاحة گفته شده وی از طرفداران متعصب حضرت ابراهیم(ع) بوده است. قوئامی نیز هم چون ینبوشاد، اعتقاد خود را به توحید آشکار نمی‌کرده است. (د. بزرگ، ذیل واژه‌ی ابن وحشیه)

قوئامی نیز زمان نگارش آثار خود را هنگام حکومت سلسله‌ی کنعانی بر بابل ذکر می‌کند و خولسون بر این مبنا معتقد بود که او در قرن ۱۶ ق.م می‌زیسته است. (سزگین ۴/۳۹۰)

ابن وحشیه مدعی است که این اثر را در سال ۲۹۱ ه.ق از زبان نبطی به عربی ترجمه کرده و در سال ۳۱۸ ه.ق به شاگرد خود ابن زیات املا کرده است در مقدمه‌ی کتاب وی خطاب به ابن زیات چنین می‌نویسد:

«پسر جان این را بدان من این کتاب را در شمار کتاب‌های کسدانیان (کلدانیان، نبطی‌ها) یافتم که ترجمه‌ی عنوان آن کتاب کشاورزی زمین و اصلاح درخت و میوه و دفع آفات از آن‌ها می‌باشد.<sup>۲</sup> کسدانیان این کتاب سودمند را پنهان می‌داشتند و کمتر به کسی نشان می‌دادند ولی خداوند مرا با آن زبان آشنا ساخت و توانستم این کتاب را به دست آورم و بخوانم» (زیدان، تاریخ تمدن اسلام ۵۸۰)

بخش عمده‌ی کتاب درباره‌ی گیاهان، شیوه‌ی کاشت، آبیاری، نگهداری، دفع آفات، خواص ریشه و ساقه و برگ و میوه‌ی آن‌ها و مسایل جانبی کشاورزی همراه با سحر و جادو و طلسم است. مسایل کشاورزی طرح شده در این کتاب مانند دیگر کتاب‌های کشاورزی و گیاه‌شناسی است. در آغاز هر باب نام‌های عربی گیاهان و در بسیاری موارد،

۱. ابن وحشیه، زمانی افسانه‌ای (۲۱۰۰۰ سال قبل از ابن وحشیه) برای زندگی ضعریث ذکر کرده است. (د.

بزرگ، ذیل واژه‌ی ابن وحشیه)

۲. إفلاح الارض و اصلاح الزرع و الشجر و الثمار و دفع الافات عنها.

نام‌های یونانی، نبطی و فارسی آن‌ها نیز آمده است، زبان شناسان در اصالت نام‌های نبطی تردید کرده‌اند. (د. بزرگ، ذیل واژه‌ی ابن وحشیه)

اما در بسیاری موارد در این کتاب از مسایل اعتقادی و کلامی نیز سخن گفته می‌شود، چنان که گویی نویسنده رسالتی فکری، اجتماعی و دینی برای خود می‌شناخته است، برخی پژوهشگران مانند آلفردن گوتشمید و نولدکه اعتقاد داشتند که کنایه‌های اجتماعی و دینی ابن وحشیه و مسایلی که در الفلاحه در این باره نقل شده در واقع اشاره به وضع موجود آن زمان و فلاح‌ت عباسی بوده است. مثلاً زمانی که از شریعت ایشیثیا (شبث، فرزند آدم) یاد می‌شود که شریعت خود را بالاترین و بهترین شریعت می‌دانند و ساخت مجسمه‌ها را ممنوع کرده بودند، منظور مسلمانان هستند و یا زمانی که از تسلط کنعانیان بر کلدانیان یاد می‌شود، اشاره به تسلط عرب‌ها بر اقوام دیگر در زمان ابن وحشیه دارد. (رک، همان جا؛ سزگین ۴/۳۹۳؛ EI، ۹۶۴)

در الفلاحه، ابن وحشیه و ابن زیات، جزئی‌ترین مطالب را به نقل از نویسندگان و با توجه به دانسته‌های خودشان نقل می‌کردند و دقت زیادی در این امر نشان می‌دادند. بنا بر متن الفلاحه، قوئامی مطالب را دقیق‌تر و جزئی‌تر آورده است، او از دشواری فهم سخنان ضغریث، شکایت دارد و اعتراف کرده که در چند جا مراد او را نیافته و سخنش را حذف کرده است. قوئامی در مورد تبدیل انواع درخت به یکدیگر، اختلاف سخن ضغریث و ینبوشاد را آورده و بدون اظهار نظر قطعی، سخن ینبوشاد را ترجیح داده است. ابن وحشیه نیز در مواردی از گیاهانی نام برده که از ماهیت آنها ابراز بی‌اطلاعی کرده و با احتیاط نسبت به آن نظر داده است. وی در مورد برخی گیاهان آورده است که آن‌ها را نمی‌شناسد تا نام عربی‌شان را ذکر کند. ابن زیات نیز در جایی از رقعهای که به ورق کتاب الصاق شده، سخن گفته است و در این که مطالب آن از مؤلف باشد، ابراز تردید کرده است. (د. بزرگ/ ذیل واژه‌ی ابن وحشیه)

ابن وحشیه ظاهراً با خرافات مخالف بوده و بسیاری از عقاید و نظرات رایج را به دلیل عقل رد کرده است اما خود به نقل انواع خرافات از کسانی که آن‌ها را دانشمندان بابل و نبطی خوانده، پرداخته که از آن جمله است گفت و گو درباره‌ی درخت پنهانی که روزها ناپیداست و شب‌ها دیده می‌شود. (همان جا)

هم چنین از گیاهی نام می‌برد با برگ‌هایی که می‌توان سرتاپای یک انسان را با آن پوشاند و یا گیاهانی که اگر انسان، نیم ساعت زیر آن‌ها باشد، می‌میرد. (قلقشندی ۲/۱۸۹) و نیز این که کلاغ می‌تواند به عقاب تبدیل شود. (همو، ۲/۸۵)

ابن وحشیه در آخر کتاب الفلاحة از کتابی به زبان کردی سخن آورده که مطالبی درباره‌ی شکل آب و چگونگی استفاده از آب‌های زیرزمینی از آن گرفته است. (معجم المطبوعات، ذیل واژه‌ی ابن الوحشیه النبطی ۱/۲۸۱)

او در آثار خود به ویژه در الفلاحة به صورت یک مسلمان معتقد جلوه‌گر شده و ابن ندیم، شهرت او را صوفی خوانده است. (ص ۵۵۲) البته ابن وحشیه، هیچ‌گاه به عنوان یک مسلمان به خود اجازه نداد که از خدایان سخن به میان آورد و صوفیه را نیز مورد حمله قرار داده است (رک، سزگین ۴/۳۹۵)

### نتیجه

اکنون این سؤال پیش می‌آید که اصرار نفی‌کنندگان شخصیت و آثار ابن وحشیه چه بوده است؟ با توجه به این که این نظریه‌ها توسط مستشرقان اروپایی قرن ۱۹ م، مطرح شده و دلایل آن‌ها بر جعلی بودن آثار و شخصیت ابن وحشیه ضعیف است یا این که اصلاً دلیلی برای مدعای خود نیاورده‌اند، شاید بتوان این نکته را عنوان کرد که این امر، خالی از غرض و منظور نبوده است.

قبول ابن وحشیه به عنوان یک پژوهش‌گر و مترجم برجسته‌ی آثار کهن، هم موجب اعتبار بیشتر نوشته‌هایش به عنوان متون علمی در تمدن اسلامی زمان وی (قرن چهارم ه.ق) است و از سوی دیگر قبول حتی بخشی از نظرهای او، اهمیت تمدن کهن بابلی- نبطی را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

بنابراین با نفی شخصیت علمی- تاریخی ابن وحشیه و یا معرفی او به عنوان یک معترض سیاسی اجتماعی که اعتراض خود را با جعل آثار و شخصیت‌های افسانه‌ای باستانی بیان کرده است، هم اعتبار بخشی از علوم اسلامی زیر سؤال می‌رود و هم از اهمیت تمدن کهن کلدانی به نحو چشم‌گیری کاسته می‌شود و دیگر امکان این فرض که این تمدن، دانشمندانی با آثار مهمی در علوم مختلف داشته است، به کلی از بین می‌رود.

## فهرست منابع و مآخذ:

۱. ابن ابی‌اصیبعه: عیون الانباء فی طبقات الاطباء، تحقیق دکتر نزار رضا، دارالمکتبة الحیة بیروت/ بی‌تا.
۲. ابن بیطار مالقی، عبدالله بن احمد: الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه، دارالکتب العلمیه بیروت/ ۲۰۰۱ م.
۳. ابن خلدون: مقدمه، ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران/ ۱۳۷۹.
۴. ابن ندیم: الفهرست، تحقیق و ترجمه دکتر یوسف علی طویل، دارالکتب العلمیه بیروت/ ۱۹۹۶ م.
۵. -----:-----، ترجمه‌ی محمد رضا تجدد، چاپ‌خانه‌ی بانک بازرگانی ایران/ ۱۳۴۶.
۶. ابن وحشیه، احمد بن علی: کنزالحکمه، نسخه‌ی خطی موجود در کتاب‌خانه‌ی آستان قدس رضوی مشهد، (ش ۵۹۰)
۷. -----:-----: اصوال الکبیر، نسخه‌ی خطی موجود در کتاب‌خانه‌ی آستان قدس رضوی مشهد.
۸. انصاری دمشقی: نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر، داراحیاء التراث العربی بیروت/ ۱۹۸۸ م.
۹. اولیری، دلیسی: انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، ترجمه‌ی احمد آرام، مرکز نشر دانشگاهی تهران/ ۱۳۷۴.
۱۰. تاجبخش، حسن: تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، انتشارات سازمان دامپزشکی کشور با همکاری دانشگاه تهران/ ۱۳۷۵.
۱۱. تقی‌زاده، حسن: گاه‌شماری در ایران قدیم، به اهتمام کتاب‌خانه‌ی تهران/ ۱۳۱۶.
۱۲. حاجی خلیفه: کشف الظنون، داراحیاء التراث العربی بیروت/ بی‌تا.
۱۳. حموی، یاقوت: معجم البلدان، دار صادر بیروت/ ۱۹۷۷ م.
۱۴. خلاصه زندگی نامه علمی دانشوران، زیر نظر احمد بیرشک، بنیاد دانشنامه‌ی بزرگ فارسی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران/ ۱۳۷۴.
۱۵. دانشنامه‌ی ایران و اسلام، مقاله‌ی ابن وحشیه، نوشته‌ی ت. فهد، زیر نظر احسان یار شاطر.
۱۶. دایرة المعارف الاسلامیه، یصدرها باللغه العربیه احمد التنتاوی و دیگران، دارالفکر بیروت/ ۱۹۳۳ م.
۱۷. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مقاله‌ی ابن وحشیه، نوشته‌ی محمد علی مولوی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی.
۱۸. زرین کوب، عبدالحسین: کارنامه اسلام، نشر امیرکبیر، تهران/ ۱۳۵۵.
۱۹. زندگی نامه علمی دانشمندان اسلامی، ترجمه‌ی احمد آرام و دیگران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران/ ۱۳۶۵.
۲۰. زیدان، جرجی: تاریخ تمدن اسلام، ترجمه‌ی علی جواهر کلام، نشر امیرکبیر، تهران/ ۱۳۸۲.
۲۱. سزگین، فؤاد: تاریخ نگارش‌های عربی، سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی/ ۱۳۸۰.
۲۲. السید، فؤاد صالح: معجم الالقب و الاسماء المستعارة فی التاریخ العربی و الاسلامی، دارالعلم للملایین بیروت/ ۱۹۹۰ م.
۲۳. صفا، ذبیح الله: تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، چ چهارم، ۱۳۷۱.

۲۴. طاش کوپری زاده، احمد بن مصطفی، مفتاح السعادة و مصباح السيادة، للنشر العربی و التوزیع قاهره/ ۱۹۹۳ م.
۲۵. قلقشندی: صبح الاعشى فی صناعة الانشاء، وزارة الثقافة و الارشاد القومي قاهره/ ۱۹۶۳ م.
۲۶. کحاله، عمر: معجم المؤلفین، داراحیاء التراث العربی بیروت/ بی تا.
۲۷. محرّری، امید: تاریخ علوم جانوری در اسلام (تا پایان قرن یازدهم هـ.ق) پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۸۱.
۲۸. مدرس تبریزی: ریحانة الادب، کتاب فروشی خیام، ۱۳۷۴.
۲۹. نالینو، کارلو: علم الفلك، تاریخه عند العرب فی القرون الوسطی، رم/ ۱۹۱۱ م.
۳۰. نجم آبادی، محمود: تاریخ طب در ایران پس از اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۳۱. نصر، سید حسین: علم و تمدن در اسلام، ترجمه‌ی احمد آرام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم، تهران، ۱۳۸۴.
۳۲. نویری، شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب: نهاية الارب فی فنون الادب، مطبعة دارالکتب المصریة القاهره/ ۱۹۳۵ م.
۳۳. the Encyclopadia of ISLAM, new Edition under the partrinage of the international union of Academies, Tutasub Aegide pallas- LEIDEN ۱۹۸۶, sv, Ibn- Wahshiyya, (T.Fahd)